

گزاره خیرهای ملت

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

درگیر بود ارگشمنکشیهای دامنه دار کرسی نشینان آبرویاخته بهارستان که روز بروز بر شکارهای درونی هیئت حاکمه ممالک زاید و پیش از پیش ملت زنجیر شده ایران را بدرد دست گرفتن سرخوشت خود امیدوار میشاورد روز چها رشنده هات کده ششم از دهان ستاتور فرخ این نوکر شناخته شده وگانگان سخنان پاره ای در باره برادران افغانی ما بر روی ریخت که اگر سایر رزجویان ملی آنها نادیده بگیرند ما پان ایرا نیستیم که بایه نبرد خود را بر شنا سانی آگاهان خون و خاک ایرانی قرار داده ایم و برای یگانگی همه ایرا نیما که با نیرونگ بیگانگان از یکدیگر جدا مانده اند پیکار میکنیم جای خاموشی و گذشت نمیکند در ستاتور فرخ در سخنان خود ناگهان برای مردم سیستان اشک تصالح ریخته و گلت (( بنده تصور میکنم ما نباید از یک دولت چهار جلیونی مثل افغانستان هم زور بکشیم اصلا بیایا بود این چهار نفر تبعه ای را که ما در هرات داریم بخواهید و با لغا نیما کی کم که در اینجا هستند تکلیف کنید که یا تغییر تا بحیثیت دهند یا آنها را اخراج کنید و با قطع رابطه تکلیف مردم را یکسره نمایند . . . . .

نابده این دوستی چیست که در تمام خطوط سرحدی دزدیهایی اینها امان مردم را بریده است . . . . . تا چه حد باید این زواری را تحمل کنیم . . . . . بالاخره دولت مسئولیت دارد مگر این مملکت صاحب زده ارد که ما باید از آنها زور بکشیم ))

بررسی کوتاهی از این هزوه درائی های ستاتور فرخ نشان میدهد که چگونه دشمنان تاریخی ملت ما بیدار کسار خویش هستند و هر چند یکبار نهال جدائی ایرانیان را بدست نوکران خود آبیاری میکنند تا دیگر ایران زمین روی یگانگی و تواپائی را نه بیند .

ستاتور فرخ کشمکش بر سر آب هیرمند را بهانه قرار داده و املا میدهد که باید اندک رفت و آمدی را هم که میان یک ملت جدا شده و آسیب دیده بجا مانده از میان برد و میان سرزمین افغانستان و دیگر بخشهای ایران — گدشته از سد گمرکی و عز قرار دای قلابی کنونی دیوار چین کشید .

این سر سپرد و سفارت انگلیس گمان میبرد که ملت ایران نیرنگی را که ارباب او برای جدائی افغانها از ایران به کار برده فراموش کرده یا بفرستی که تازگی برای نزدیکی برادران همدون و هم تزا دهان افغانستان با ایران کشی بدیده آمده بی نبرده است ملت ایران بخوبی میداند که با سیاست آزاده ای که دولت کابل در برابر دولت باختر و خاور پیش گرفته و با کشمکشی که بر سر آزاد کردن چند طایفه مز نشین نلات ایران با دولت پوشالی پاکستان دارد سخت در زیر فشار امتحان گران غروب میباشد و از همین رو برای کاستن از این فشار که بیشتر زانوده بسته شدن راه ترانزیتی (( کراچی کابل )) میباشد در صدد نزدیکی با ایران برآمده است . دولت کابل پیشنهاد کرده است که بندر چاه بهار را به هزینه خود آماده نموده راه آنها تا شهرهای هرات و کابل اسفالت نماید و با دادن حق ترانزیت از این راه اقتصادی برای گذراندن کالای مورد نیاز خود بهره برداری کند

و خوب میداند که با ز شدن چنین راهی تا چه اندازه برای نزدیکی برادران افغانی بدیگر ایرانیان و نیز در بهبود زندگی مردم ستم کشیده جنوب شرقی ایران کنونی سودمند میباشد و همین جهت است که کما نیگسه به پیروی از اصل (( جدائی بیند از نو فرمانروائی کن )) از یکطرف و بنجاه سال پیش در نلات ایران آتش جدائی روشن کرده اند سخت بیسازگ شده اند و نوکران خود را با آتش افروزی و آوار میکنند — ما هرگز نمیگوئیم که مردم هرات باید یکسره آب هیرمند را به هزینه خود سران بکنند و برادران سیستانی خود را از کشاورزی باز دارند بلکه اعلام کنیم که کشمکش مردم هرات و سیستان مانند کشمکشی است که در هفتاد گذشته در روز زندان بر سر بهره برداری از آب رودخانه هراز میان مردم بابل و آمل بر خ داده بود و حتی کار آن بزد و خورده و کشتار رسید . و همانطور که هر ایرانی شرافتمند نمیکوید که چون بر سر آب رودخانه هراز میان مردم بابل و آمل باید دیوار چین کشید

